

اقتصاد از منظر حقوق بشر

مصطفی فضائی^۱، بهنام سالم^۲

۱- عضو هیات علمی دانشگاه قم

۲- دکترای اقتصاد، دانشجوی حقوق بین الملل دانشگاه قم

چکیده

شاید در بدو امر به لحاظ فلسفی تعارض مهمی در زمینه حقوق بشر و اقتصاد به نظر نرسد حقوق بشر ناظر بر حقوقی است که یک انسان به خاطر انسان بودنش از آن باید بهره‌مند شود. بی تردید یکی از حقوق مهم انسان همانا حقوق اقتصادی می‌باشد که در ميثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ به تفصیل ذکر شده است. از طرفی خاستگاه حقوق بشر همانند اقتصاد غرب است. اقتصاد به صورت علمی از اواخر قرن ۱۸ با نظریات آدام اسمیت اقتصاددانان انگلیسی مطرح شد. اسناد بین المللی حقوق بشر نیز از اواسط قرن بیستم بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم تصویب شد. در واقع اقتصاد و حقوق بشر بر مبنای فردگرایی غربی ایجاد شده اند. اقتصاد دغدغه منافع انسان را دارد و حقوق بشر هم حداقل بر مبنای فلسفه کانت دغدغه انسان را دارد زیرا انسان را غایت بالذات می‌داند. حتی در حقوق همبستگی مانند حق توسعه، حق صلح نیز اگرچه مدعی این حقوق دولت ها و یا نهادهای مدنی هستند اما در واقع هدف آنها تامین این حقوق برای انسان است. اما باید دید موسع متوجه می‌شویم اقتصاد و حقوق بشر هم به لحاظ مبنایی و هم به لحاظ ماهوی می‌توانند متفاوت از هم باشند. حقوق بشر ناظر بر حقوق‌هایی است که انسان صرفنظر از هر نوع عوارضی مثل نفع مادی، رنگ، پوست نژاد به خصوص در زمینه حقوق و آزادی‌هایی مثل حق حیات، حق آزادی بیان، باید از آن برخوردار باشد. در واقع انسان مورد نظر حقوق بشر یک مفهوم انتزاعی از انسان را در نظر می‌گیرد اما در اقتصاد موضوع به صورت حق مطرح نمی‌شود اگر چه نفع انسان مدنظر است اما انسان اقتصادی انسانی است عقلایی که صرفاً بر مبنای نفع خود (و نه نفع همه انسان ها) عمل می‌نماید. بنابراین انسان عقلایی اقتصادی می‌تواند برای کسب منافع اقتصادی خود، حقوق اقتصادی اقلیت را نادیده بگیرد. نگرش اقتصاد نگرش فایده انگارانه است که می‌تواند عدالت را نادیده بگیرد. اما حقوق بشر جهان شمول است و امروزه مبنای جدیدی به صورت جدی برای آن مطرح شده است. عدالت و کرامت انسانی از جمله مبنای جدید حقوق بشر هستند. بنابراین دغدغه حقوق بشر عدالت است که حاکی از نوعی برابری یا بهتر بگوئیم نگرشی برابر انگارانه است. از منظر حقوقی بشر فقر، نابرابری و عدم توسعه مذموم است زیرا مغایر با کرامت انسانی است در اسناد اخیر حقوق بشر همین نگرش به صراحت بیان شده است. اعلامیه حق توسعه بیان می‌دارد توسعه حق همه و در همه زمان ها است (یعنی جهان شمولی حق توسعه). در اعلامیه وین ۱۹۹۳ نیز بر این نکته که حقوق بشر جهان شمول ذاتی و غیر قابل سلب است تاکید شد ضمن آنکه تنوع فرهنگی و احترام به کلیه فرهنگ ها نیز مدنظر واقع شد.

از طرف دیگر اقتصاد در راستای نفع شخصی عمل میکند که روش علمی آن حداکثر کردن سود و مطلوبیت است. گرچه در سیر تحول نظریات اقتصادی شاهد نظریات توسعه انسان محور هستیم اما به لحاظ نظری هنوز میان حقوق بشر و اقتصاد فاصله زیادی است. به لحاظ عملی نیز رشد فقر جهانی، افزایش شکاف توسعه در سطح بین الملل، خسارات زیست محیطی ناشی از استفاده بیش از حد منابع طبیعی، حاکی از تعارض و تزاخم اهداف اقتصادی با اهداف حقوق بشری است. مضافاً بروز جنگ های منطقه ای و نقض مکرر حقوق بشر در مناطق مختلف جهان همراه با اشکال جدید و خطرناک تروریسم حاکی از عدم موفقیت در حصول اهداف حقوق بشری است. هماهنگی هر چه بیشتر اقتصاد با آرمان های حقوق بشری بر مبنای عدالت و کرامت انسانی می‌تواند امنیت سیاسی و صلح را در جهان به ارمغان آورد. این مقاله در دویخش تنظیم شده است. در بخش اول مبنای حقوق بشر به تفصیل بیان میشود. در بخش دوم مبنای اقتصادی و رابطه آن با حقوق بشر مطرح میشود در خاتمه نیز نتیجه مقاله بیان میشود.

واژگان کلیدی: اقتصاد ، مبنای حقوق بشر ، مبنای اقتصادی